



A Jurisprudential and Legal Study of the Civil liability of the Government for Damages Caused by Severe Currency Fluctuations

Ruhollah Raisi^{1*}, Morteza Pourmollaei²

1. Assistant Professor, Department of Jurisprudence and Fundamentals of Islamic Law, Payam Noor University, Tehran, Iran.

2. Assistant Professor, Department of Jurisprudence and Fundamentals of Islamic Law, Payam Noor University, Tehran, Iran.

ARTICLE INFORMATION

Article Type: Original Research

Pages:149-164

Article history:

Received:12 Aug 2024

Edition: 05 Oct 2024

Accepted: 30 Nov 2024

Published online:25 Mar 2025

Keywords:

Exchange Rate Fluctuations, Civil Liability, Damage, Fault, Causal Relationship, Strict Liability.

Corresponding Author:

Ruhollah Raisi

Address:

Iran, Tehran, Payam Noor University, Department of Jurisprudence and Fundamentals of Islamic Law.

Orchid Code:

0000-0002-3963-1534

Tel:

09177191025

Email:

roohollah.reisi@pnu.ac.ir

ABSTRACT

Background and purpose: Currency fluctuations in Iran have been very severe, especially during the last two decades, and have severely affected the lives of economic activists and the general public. Accordingly, the purpose of this article is to study the jurisprudential and legal study of the civil liability of the government for damages caused by severe currency fluctuations.

Materials and Methods: This article is descriptive and analytical. The materials and data are also qualitative, and questionnaires were used to collect the materials and data.
Ethical Considerations: In this article, the originality of the texts, honesty, and trustworthiness have been observed.

Findings: From a jurisprudential perspective, rules such as the rule of harmlessness indicate the civil liability of the government, although the rule of benevolence can be interpreted as the lack of government liability. The foundations of civil liability of the government and regulatory agencies in exchange rate fluctuations are the theory of fault, the theory of risk, and the guarantee of rights. But this is not the whole truth.

Conclusion: The sharp fluctuations in the exchange rate in Iran are not solely influenced by the financial and exchange rate policies of the Central Bank. Other variables such as sanctions are considered one of the main factors in the rapid In Iran, despite the prediction of some specific situations in the approved laws that accept the responsibility of the government in accordance with the theories of fault or risk; in many cases, it faces legal problems or gaps.

Cite this article as:

Raisi, R; Pourmollaei, M. *A Jurisprudential and Legal Study of the Civil liability of the Government for Damages Caused by Severe Currency Fluctuations.* Economic Jurisprudence Studies. 2024.



بررسی فقهی حقوقی مسئولیت مدنی دولت در قبال خسارت ناشی از نوسانات شدید ارزی

روح اله رئیسی*، مرتضی پورملائی^۲

۱. استادیار گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران.

۲. استادیار گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران.

چکیده

زمینه و هدف: نوسانات ارزی در ایران در طی دو دهه اخیر بسیار شدید بوده و زندگی فعالان اقتصادی و عموم مردم را شدیداً تحت تأثیر قرار داده است. بر همین اساس هدف مقاله حاضر، بررسی فقهی حقوقی مسئولیت مدنی دولت در قبال خسارت ناشی از نوسانات شدید ارزی است.

مواد و روش‌ها: مقاله حاضر توصیفی تحلیلی است. مواد و داده‌ها نیز کیفی است و از فیش‌برداری در گردآوری مطالب و داده‌ها استفاده شده است.

ملاحظات اخلاقی: در این مقاله، اصالت متون، صداقت و امانت‌داری رعایت شده است.

یافته‌ها: از منظر فقهی قواعدی چون قاعده لاضرر بیانگر مسئولیت مدنی دولت است هرچند قاعده احسان می‌تواند به معنای عدم مسئولیت دولت تعبیر شود. دولت به دلیل وظیفه نظارت بر کنترل ارز از یک سو و تأثیر شدید نوسانات ارز بر زندگی عموم جامعه از سوی دیگر، در برابر نوسانات ارزی در قبال جامعه مسئولیت مدنی دارد. مبانی مسئولیت مدنی دولت و دستگاه‌های نظارتی در نوسانات ارزی نظریه تقصیر، نظریه خطر و تضمین حق است، اما این تمام واقعیت نیست.

نتیجه: نوسانات شدید ارز در ایران صرفاً تحت تأثیر سیاست‌های مالی و ارزی بانک مرکزی نیست. متغیرهای دیگر چون تحریم‌ها یکی از عوامل اصلی افزایش سریع و ناگهانی ارز محسوب می‌شود. بر همین اساس ایجاد رابطه سببیت میان دولت و خسارت ناشی از نوسانات ارز به سادگی میسر نیست. در ایران علیرغم پیش‌بینی برخی موقعیت‌های خاص در قوانین مصوب که مسئولیت دولت را منطبق با تئوری‌های تقصیر یا خطر پذیرفته است؛ در بسیاری از موارد با خلاء قانونی مواجه است

اطلاعات مقاله

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات: ۱۴۹-۱۶۴

سابقه مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۵/۲۲

تاریخ اصلاح: ۱۴۰۳/۰۷/۱۴

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۹/۱۰

تاریخ انتشار: ۱۴۰۴/۰۱/۰۵

واژگان کلیدی:

نوسانات ارزی، مسئولیت مدنی، خسارت، رابطه سببیت، مسئولیت محض.

نویسنده مسئول:

روح اله رئیسی

آدرس پستی:

ایران، تهران، دانشگاه پیام نور، گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی.

تلفن:

09177191025

کد ارکید:

0000-0002-3963-1534

پست الکترونیک:

roohollah.reisi@pnu.ac.ir

۱. مقدمه

شوک‌های ارزی و قیمتی در دولت‌های مختلف در بعد از انقلاب اسلامی ایران بدون استثنا باعث افزایش نرخ تورم و سپس سبب کسری بودجه شدید شده که دو عامل اصلی تشدید نرخ تورم در اقتصاد کشور بوده است. بر اساس گفته تحلیلگران مسائل اقتصادی کشور، تجارب و شواهد تاریخی نشان داده یکی از مهمترین عامل تشدید نرخ تورم در ایران، شوک‌های ارزی طی سال‌های گذشته بوده است. شوک‌های ارزی وارد شده به اقتصاد کشور بدون استثنا سبب افزایش نرخ تورم و به عبارت دیگر باعث افزایش سطح عمومی قیمت‌ها و کاهش سطح رفاه عمومی جامعه شده است. این شوک‌های ارزی، موجب افزایش نرخ رسمی ارز از ۷ تومان به ۲۸ هزار و ۵۰۰ تومان ارز رسمی تثبیت شده و نیز ارز مبادله نیمایی را به ۴۳ هزار و ۵۰۰ تومان و ارز بازار آزاد را به نزدیک هفتاد هزار تومان رسانده است. آثار و تبعات آن، افزایش هزینه‌های جاری و عمرانی دولت، کاهش درآمد طبقات پایین جامعه و دامن زدن به فقر طبقه متوسط و کم درآمدها و اشاعه فساد و رانت برای فرصت طلبان و افزایش دارایی‌های ثروتمندان و دوباره کسری بودجه و دردهای دولت برای تأمین آن و افزایش نقدینگی شد. اما علاوه بر این، نوسانات شدید ارزی خسارت زیادی بر دارائی‌های مردم وارده کرده و باعث وارد شدن ضررهای زیادی به مردم شده است. این موضوع وقتی اهمیت پیدا می‌کند که کنترل نرخ ارز از وظایف بانک مرکزی است. در حقیقت ثبات قیمت به‌عنوان مهم‌ترین عامل رشد اقتصادی پایدار، باید هدف اولیه بانک مرکزی قرار گیرد. بانک مرکزی مستقل این اختیار را دارد که سیاست پولی و ارزی را برای دستیابی به اهدافش به کارگیرد و همچنین می‌تواند برای

رسیدن به اهداف اولیه‌اش بر روی هدف‌های پولی تصمیم‌گیری نماید و می‌توان گفت در حقیقت مجری سیاست‌های پولی و ارزی براساس یک هدف تعیین شده از سوی کابینه یا قانون است. بانک مرکزی به عنوان یک نهاد حکومتی در تنظیم سیاست‌های پولی و ارزی در هماهنگی با سیاست‌های دولت‌ها در ایران عمل می‌کند. این نهاد ممکن است در بسیاری موارد مستقل عمل کند و به عبارت دیگر، به استثنای شرایط اضطراری مجبور به پذیرش پیشنهادهای دولت نیست اما بدیهی است که سیاست‌های بانک مرکزی در زمینه ارز که عمدتاً در هماهنگی با دولت انجام می‌شود تأثیر زیادی بر نوسانات ارز دارد. تمایز و نوآوری مقاله حاضر بررسی فقهی حقوقی مسئولیت مدنی دولت در قبال خسارت ناشی از نوسانات شدید ارزی است. سؤال اساسی که در این خصوص مطرح می‌شود این است که مسئولیت مدنی دولت در جبران خسارت ناشی از نوسانات ارزی چیست؟ فرضیه مقاله عبارت است از اینکه «ایجاد رابطه سببیت میان دولت و خسارت ناشی از نوسانات ارز به سادگی میسر نیست». به منظور بررسی سوال و فرضیه مورد اشاره، ابتدا به ارز و نوسانات ارزی اشاره شده، سپس مسئولیت مدنی دولت در قبال خسارت ناشی از نوسانات شدید ارزی از منظر فقهی و حقوقی مورد بررسی قرار گرفته است.

۲. مواد و روش‌ها

مقاله حاضر توصیفی تحلیلی است. مواد و داده‌ها نیز کیفی است و از فیش‌برداری در گردآوری مطالب و داده‌ها استفاده شده است.

۳. ملاحظات اخلاقی

در این مقاله، اصالت متون، صداقت و امانت‌داری رعایت شده است.

۴. یافته‌ها

از منظر فقهی قواعدی چون قاعده لاضرر بیانگر مسئولیت مدنی دولت است هرچند قاعده احسان می‌تواند به معنای عدم مسئولیت دولت تعبیر شود. دولت به دلیل وظیفه نظارت بر کنترل ارز از یک سو و تأثیر شدید نوسانات ارز بر زندگی عموم جامعه از سوی دیگر، در برابر نوسانات ارزی در قبال جامعه مسئولیت مدنی دارد. مبانی مسئولیت مدنی دولت و دستگاه‌های نظارتی در نوسانات ارزی نظریه تقصیر، نظریه خطر و تضمین حق است. اما این تمام واقعیت نیست.

۵. بحث

۱-۵. ارز و نوسانات ارزی

ارز عبارت است از ارزش، بهاء، قیمت، نرخ و سندهای تجاری که ارزش آنها به پول خارجی تعیین شده باشد (معین، ۱۳۷۶، ۱: ۸۳۷). نرخ ارز را می‌توان به عنوان قیمت واحد پول ملی بر حسب پول خارجی (ارز) تعریف کرد. در بهار سال ۱۳۹۹، روند سقوط ارزش ریال ایران دوباره شدت گرفت و قیمت دلار طی حدود سه ماه بیش از ۲۵۰۰ تومان افزایش یافت. قیمت دلار در ۲۹ خرداد ۱۳۹۹ به نزدیک ۱۹ هزار تومان رسید و در آخرین روز بهار هر دلار با قیمت بالاتر از ۱۹ هزار تومان در بازار تهران معامله شد. همچنین قیمت هر دلار در بازار آزاد در تاریخ ۲۴ تیر ۹۹ از ۲۳ هزار تومان، در ۲۰ مهر ۹۹ از ۳۱ هزار تومان، در ۲۲ خرداد ۱۴۰۰ از ۳۳ هزار تومان، در ۱۴ آبان ۱۴۰۱ از ۳۶ هزار تومان، در ۲۲ آذر ۱۴۰۱ از ۳۸ هزار تومان، در ۱ دی ۱۴۰۱ از ۴۰ هزار تومان، در ۷ دی ۱۴۰۱ از ۴۴ هزار تومان و در ۷ اسفند ۱۴۰۱ از ۶۰ هزار تومان عبور کرد. سال ۱۴۰۲ تا بهمن ماه، سالی پایدار برای قیمت ارز شناخته می‌شود. اما از اواخر

بهمن ماه ۱۴۰۲، جهش بعدی ارز، قیمت دلار را از کانال ۵۰ هزار تومان خارج کرد. در شرایط کنونی قیمت دلار حدود ۷۰ هزار تومان معامله می‌شود. نوسانات شدید ارزی مانند آنچه در بیش از یک دهه اخیر رخ داد تأثیر منفی زیادی بر شرایط اقتصادی و عامل ورشکستگی بسیاری از فعالان اقتصادی است. نوسانات ارزی بر اختلال در خرید سفارشات و تهیه دستگاه‌ها و ماشین آلات چرخه تولید دخیل است و التهاب بازار ارز بستر لازم را برای اختلال در چرخه تولید و قرار گرفتن کارخانجات در زمره واحدهای زیان ده و ورشکسته فراهم می‌کند (معبودی، آسایش و شجاعی، ۱۴۰۲، ۲۳۱) کاهش ارزش پول ملی، افزایش میزان صادرات و دشواری واردات کالا می‌شود، زیرا کشورهای دیگر کالاهای این کشور را ارزان می‌یابند. این پدیده، بر تجارت، صنعت و بازار اوراق بهادار کشور تأثیر منفی دارد و باعث کاهش قدرت خرید می‌گردد. مسئله انتخاب نظام ارزی مناسب در کشورهای در حال توسعه، از جمله عوامل مهم در تعدیل حساب جاری کشورها بشمار می‌رود. نظام ارزی مناسب می‌تواند نقش موثری در بهره‌گیری از فواید تجارت داشته باشد و برعکس، نظام نامناسب ارزی می‌تواند آثار مثبت تجارت را خنثی و آثار منفی آن را تشدید نماید. در نظر گرفتن سهم صادرات و واردات در رگرسیون رشد یک مرحله مهم برای فهم رابطه بین تجارت بین‌المللی و رشد است که توسط تئوریهای جدید رشد و تجارت پیشنهاد شده است. همچنین بر اساس منطق سیاست پولی بانک مرکزی در بازار ارز، عمل بر اساس صلاحدید می‌تواند تأمین‌کننده اهداف سیاست‌گذاران در کوتاه مدت باشد اما با گذر زمان و در بلندمدت علاوه بر خدشه دار کردن اعتبار سیاست‌گذاران و دولت نزد مردم، مخل برنامه ریزی بلندمدت شده و هزینه‌های بیشتری را

البحرین آمده: «ضرر عبارت است از نقص در حق» (الطریحی، ۱۹۸۵: ۱۵۲). قاعده‌ی لاضرر ناظر است بر حرمت ضرر رساندن به دیگران» (البیهقی، ۱۴۲۴، ۱۰: ۱۸۷؛ ابوداود، ۱۴۲۰، ۲: ۳۱۲؛ صحیح البخاری، ۱۴۰۱: ۱۳). در واقع، ضرر رساندن به خود و دیگران در اسلام مردود است (ابن ماجه، ۱۳۷۳/۱۹۵۴: ۱۴۶؛ ابن حنبل، ۱۴۰۱، ۱۱: ۲۷۷).

«منع اضرار به غیر و اعمال اصل ۴۰ قانون اساسی، به لحاظ ممنوعیت اعمال افراد برای اضرار به غیر یا تجاوز به منافع عمومی تضمین سیاست‌های اقتصادی و مالی مقرر در فصل چهارم قانون اساسی تکلیف و تضمین به جلوگیری از فعالیت‌های اقتصادی مضر و تأمین حقوق همه جانبه مردم و پاسداری از حقوق اساسی مردم و ملت، وفق اصول ۲۲۳ و ۲۵۲ قانون مزبور، از زمره تکالیف رئیس جمهور و دولت برابر این قانون و قوانین مرتبط برشمرده شده است». وفق بند ۲ ذیل اصل ۴۳ قانون اساسی، «منع اضرار به غیر و انحصار و...» از زمره مبانی و ضوابط حاکم بر اقتصاد جمهوری اسلامی برشمرده شده است و طبق اصل ۴۰ قانون اساسی: «هیچکس نمی‌تواند اعمال خویش را وسیله اضرار به غیر یا تجاوز به منافع عمومی قرار دهد» (قاسم زاده، ۱۳۸۷: ۱۲۱).

از اینرو، فعالیت‌های اقتصادی که با ضرر و زیان همراه است، ممنوع می‌باشد. هر نوع فعالیت و اقدام مخرب نسبت به دیگران به هر شکل و نوعی و توسط هر شخص یا سازمانی با مجوز و بدون مجوز ممنوع بوده و غیرقانونی است و مستلزم مسئولیت قانونی و حقوقی مربوطه و تعهد به جبران خسارات حاصله به تجویز ماده ۲ قانون مسئولیت مدنی و قواعد عمومی مسئولیت از یکسو و مسئولیت حقوقی و قانونی دولت و وزارت خانه‌های تابعه در نظارت و مدیریت در اعمال مراتب قانونی و

تحمیل خواهد کرد. سیاست‌های ارزی به عنوان ابزاری قدرتمند در میان سیاست‌های اقتصادی، می‌تواند تأثیرات معنی داری بر متغیرهای کلان اقتصادی داشته باشد. در این میان، نرخ ارز متغیری است که تأثیر نوسانات آن در غیاب سیاست‌های ارزی بانک مرکزی، بر چرخه‌های تجاری پدیدار خواهد شد. شواهد تجربی بر این نکته تأکید دارند که چنانچه کاهش ارزش اسمی پول ملی با سیاست‌های مناسب کلان اقتصادی همراه باشد منجر به رشد اقتصادی می‌شود.

۲-۵. بررسی فقهی مسئولیت مدنی دولت در قبال خسارت ناشی از نوسانات شدید ارزی

در این قسمت به بررسی فقهی مسئولیت مدنی دولت در قبال خسارت ناشی از نوسانات شدید ارزی پرداخته می‌شود.

۱-۲-۵. قاعده لاضرر

یکی از قاعده‌های فقهی که در سراسر فقه به آن استناد می‌شود و در بسیاری از مسائل مختلف سیاسی و اجتماعی کاربرد دارد، قاعده‌ی لاضرر است. که نقش آن کنترل و تعدیل قوانین دیگر است (مطهری، ۱۳۵۷: ۱۳۶-۱۳۵). این قاعده از قاعده‌های است که مورد پذیرش شیعه و اهل سنت قرار گرفته و عالمان هر دو مذهب در بسیاری از بابهای فقهی، بدان استناد جسته‌اند حتی شماری از عالمان اهل سنت، بر این باورند که فقه بر چهار ویا پنج پایه می‌چرخد و یکی از آنها قاعده‌ی لاضرر است (مکی عاملی (شهید اول)، ۱۴۱۱، ۱: ۴۲۰). «اصل لاضرر مراعات عدم ضرر است پس هرآنچه به ضرر مسلمین باشد باید از آن دوری کرد (الندوی، ۱۴۳۰: ۲۹۲). در صحاح ضرر چنین معنا شده است: «ضرر مقابل نفع است» و در مجمع

در آن استمرار ضرر و استمرار تصرف بوده، پس حرام است و لازمه رفع مزاحمت جبران و تدارک آن است» (نجفی، ۱۴۰۴: ۴۶). «زمانی که به بنا عقلاً مراجعه میشود، مشاهده میگردد که ورود ضرر به دیگری امری مقبوح و ناپسند و جبران آن امری ضروری میباشد. صرفنظر از تمامی این مواردی که ذکر شد، برخی از فقها این قاعده را از ضروریات دین دانسته و آن را ثابت فرض نموده است» (موسوی خویی، ۱۴۱۷، ۷: ۵۲۵). مهم‌ترین مستند قاعده اتلاف روایاتی است که متضمن مسئولیت مکلفی است که غیر مستقیم موجب بروز خسارت شده است. ابی‌الصلاح از امام صادق نقل می‌کند که «هرکس به واسطه چیزی به راه مسلمانان آسیبی برساند ضامن است» (علامه حلی، ۱۴۱۸، ۳۶-۳۱: ۹۱).

عقل حکم می‌کند که دین اسلام، که مالکیت را محترم شمرده، حتماً اتلاف مال غیر راممنوع بداند و جبران آن را لازم بشمارد؛ چون این امر لازمه احترام مالکیت است (محقق داماد، ۱۳۹۱: ۶۲-۴۱). منظور از حکم عقل به عنوان یکی از مستندات قاعده اتلاف در زمینه مسئولیت دولت، بخشی از مدرکات عقل عملی است که بر مبنای قاعده حسن و قبح عقلی و نیز قاعده ملازمه میان حکم عقل و حکم شرع استوار گشته است. بر این اساس، عقل به طور مستقل و صرف نظر از این که در شریعت درباره ممنوعیت زیان به اشخاص و جامعه مقرراتی وجود داشته باشد، خود به طور ذاتی و طبیعی، هر گونه اقدامی را که منجر به برهم خوردن تعادل و توازن فعالیت‌های اقتصادی گردد و باعث خسارت به فعالان اقتصادی و مردم و موجب اخلال در نظام زندگی و افساد در زمین بشود، زشت و قبیح می‌داند و عامل زیان را قابل مذمت و ملامت دانسته و به طور قاطع، حکم به لزوم رفع این اعمال قبیح،

جلوگیری از نقض آشکار آنها و تعقیب مراتب از سوی دستگاه قضایی کشور، از طرف دیگر خواهد بود. علاوه براین، ممنوعیت، برابر اصل ۶۰ قانون مزبور: «حیثیت، جان، حقوق، مسکن و شغل اشخاص از تعرض مصون است مگر در مواردی که قانون تجویز کند». به خطر انداختن اموال و جان و مسکن مردم در اثر سوء مدیریت حاصل از عدم کارآمدی، خود مستوجب مسئولیت قانونی دولت و هیات وزیران و شخص رئیس‌جمهور می‌باشد. طبق اصل ۶۰ قانون اساسی؛ «اعمال قوه مجریه جز در اموری که در این قانون مستقیماً بر عهده رهبری گذارده شده، از طریق رئیس‌جمهوری و وزراء است» و نامبرده برابر اصل ۱۲۲ که مقرر می‌دارد: «رئیس‌جمهور در حدود اختیارات و وظایفی که به موجب قانون اساسی و یا قوانین عادی بعهده دارد در برابر ملت و رهبر و مجلس شورای اسلامی مسئول است» نسبت به نقض آشکار قوانین و هدر دادن اموال مردم، به ترتیب مزبور و نیز مستفاد از مفاد مندرج در سوگند اتیانی وی طبق اصل ۱۲۲ آن قانون مسئول بوده و باید پاسخگو باشد.

۲-۲-۵. قاعده تلف

براساس این نظریه شایع در فقه که به «قاعده اتلاف» شهرت دارد هرکس مال دیگری را تلف کند ضامن است. مراد از قاعده اتلاف این است که اگر کسی مالی را به سببی از بین ببرد عالم باشد یا جاهل مکلف است مثل یا قیمت آن را بپردازد. البته در صورتی که بدون اذن و اجازه صاحب مال چنین کاری را انجام داده باشد (مشایخی، ۱۳۸۷: ۳). «مطابق قاعده تلف اولاً؛ اتلاف مال غیر حرام است و ثانیاً اگر کسی مال دیگری را تلف کند، ضامن تدارک آن خواهد بود» (مراغه‌ای، ۱۴۱۷: ۴۳۴). «حتی اگر قائل شویم که عبارت تنها بیانگر حرمت تصرف در مال است، عدم جبران ضرر بعد از تصرف

فقهی به این معناست که هرگاه کسی برای حفظ مال یا جان دیگری به قصد احسان و نیکوکاری، باعث ورود خسارت به او شود، در برابر آن پاسخگو نخواهد بود و این اقدام ضمانی را متوجه وی نمی‌سازد. (نوری و همکاران، ۱۳۹۱). البته در خصوص قاعده احسان و موضوع مورد بررسی لازم است نقش و اراده دولت در افزایش نرخ ارز دقیقاً بررسی شود. چراکه گاهی ممکن است که افزایش نرخ ارز تأمین کننده کسی بودجه دولت باشد درحالی که باعث ایجاد تورم و خسارت بر عموم مردم می‌شود. نتیجه سخن این است که تبیین همه اقدامات دولت در راستای احسان امکان پذیر نیست.

۳-۵. بررسی حقوقی مسئولیت مدنی دولت در قبال خسارت ناشی از نوسانات شدید ارزی

در این قسمت به بررسی مبانی مسئولیت مدنی دولت در قبال خسارت ناشی از نوسانات شدید ارزی پرداخته می‌شود.

۱-۳-۵. نظریه تقصیر

«مسئولیت مبتنی بر تقصیر به نظریه شخصی مشهور است. نظریه مسئولیت مبتنی بر تقصیر بر این اصل استوار است که در هر دعوی مسئولیت خواهان یا زیان دیده باید ثابت کند که عامل ورود زیان با ارتکاب خطا زبانی را به بار آورده است» (قاسم‌زاده، ۱۳۸۷: ۲۰۰). در حقوق ایران، به منظور بررسی مبانی مسئولیت مدنی دولت و تحلیلی از نظام مسئولیت مدنی در حقوق ایران، محقق حقوق اداری را گریزی نیست که با واکاوی قانون مسئولیت مدنی و ماده‌ی ۱۱ این قانون مبنای مسئولیت موردنظر قانون گذار را دریابد. مبنای مسئولیت مدنی دولت در این قانون مبتنی بر نظریه

یعنی برطرف نمودن زیان و از بین بردن منشأ آن و پیش گیری از تشدید و وقوع مجدد آن، از طرق مناسب می‌نماید (محقق داماد، ۱۳۶۲: ۱۵۱). به دیگر سخن، عقل هم اتلاف و زیان رساندن به دیگران را امری ناپسند و قابل نکوهش می‌داند و هم بر ضرورت رفع ضرر و مسئولیت عامل زیان در مقابل زیان دیده تأکید می‌ورزد.

۳-۲-۵. قاعده احترام اموال

مال و دارایی مسلمان محترم است و مصونیت دارد و اتلاف و تجاوز در آن مجاز نیست و اگر کسی از راه ربا، رشوه، فریبکاری، سرقت و بالاخره هرگونه تصرف نامشروع، مالی را از کسی ضایع کرده باشد باید به تحصیل رضایت صاحب مال و یا باز پس دادن آن اقدام نماید. رسول خدا در روایتی فرمودند «ناسزاگویی به مؤمن، گناه کشتن وی کفر و غیبت او از معاصی و احترام مال او چون احترام خون اوست» (قبله‌ای خوئی، ۱۳۷۷، ۳: ۹۰). «این قاعده در منابع فقهی به طور مبسوط مورد بحث قرار نگرفته است. این قاعده در راستای حمایت از مالکیت خصوصی و جلوگیری از تجاوز دیگران به آن وضع شده است و بیان می‌دارد تصرف و تجاوز به اموال دیگران بدون اذن و رضایت آن‌ها حرام است. فقها در خصوص اینکه آیا مفاد قاعده صرفاً حرمت تصرف در اموال غیر است یا حکم وضعی را هم ثابت می‌کند، اختلاف دارند. قید مسلم در این قاعده، قید توضیحی است یعنی با وجود اینکه مال مؤمن دارای احترام ذاتی و بالاصاله است ولی اموال غیرمسلمانان در سایه قرارداد ذمه یا معاهده احترام عرضی پیدا می‌کند» (سلامی زاده و رشوند بوکانی، ۱۳۹۵: ۱۱۲-۱۰۲).

البته باید توجه داشت که یکی از مسقطات ضمان قهری، قاعده احسان است. قاعده احسان از قواعد

نباشد» (قاسم زاده، ۱۳۸۷: ۳۲۰). «بدین ترتیب در دعوی جبران خسارت بر علیه دولت کفایت که زیان‌دیده ارتباط خسارت وارده با عمل اداری را به اثبات برساند. البته مسئولیت بدون تقصیر متوجه دولت است و پرداخت خسارت در مسئولیت مدنی بدون تقصیر در صورتی امکانپذیر است که خسارت غیر عادی باشد و موجب بهم خوردن مساوات افراد در مقابل هزینه عمومی گردد» (گزارش حقوقی علمی، ۱۳۸۴: ۱۲۰). البته مسئولیت بدون تقصیر متوجه دولت است و پرداخت خسارت در مسئولیت مدنی بدون تقصیر در صورتی امکانپذیر است که خسارت غیر عادی باشد و موجب بهم خوردن مساوات افراد در مقابل هزینه عمومی گردد (صدایی، ۱۳۹۰). در ایران نظریه بدون تقصیر به صورت عام پذیرفته نشده است اما در مواردی چون قانون بیمه اجباری شخص ثالث تاثیر آن قابل مشاهده است.

۴-۵. شرایط مسئولیت مدنی دولت در قبال خسارت ناشی از نوسانات شدید ارزی

شرایط مسئولیت مدنی دولت در قبال خسارت ناشی از نوسانات شدید ارزی عبارتند از:

۱-۴-۵. وجود ضرر

«لزوم وجود ضرر در تحقق مسئولیت مدنی از اهمیت بسیاری برخوردار است. زیرا وجود زیان ویژه مسئولیت مدنی است و همین عنصر است که آن را از مسئولیت کیفری و اخلاقی جدا می‌سازد» (حسینی‌نژاد، ۱۳۷۰: ۳۵). «ضرر مفهومی عرفی است، هرگاه صدمه‌ای بر اموال وارد آید، یا منفعت مسلمی از کف برود یا به سلامت جسمانی یا حیثیت و شرافت اشخاص لطمه‌ای وارد شود با وقوع ضرر رو به رو هستیم» (کاتوزیان، ۱۳۸۶: ۱۸۵).

تقصیر است و با پیروی از الگویی منسوخ از نظام حقوقی فرانسه یعنی تقسیم اعمال دولت به حاکمیتی و تصدی‌گری سعی در کاهش مسئولیت دولت و ایجاد مصونیتی غیرموجه برای دولت بوده است که با نظریه حقوق عمومی معاصر همخوانی ندارد و مغایر است (کاتوزیان، ۱۳۷۴: ۷۸). ابتدای قانون مسئولیت مدنی ایران بر نظریه مسئولیت مبتنی بر تقصیر و تقسیم اعمال دولت به حاکمیتی و تصدی‌گری، زیان زیان دیده در مقابل دولت را کاملاً جبران نمی‌کند. در نظام مسئولیت مدنی دولت شاهد مغایرت قانون مسئولیت مدنی با اصل ۱۷۱ قانون اساسی هستیم چراکه در اصل مزبور عمل قضایی که عملی حاکمیتی است مصونیت ندارد و در صورت عدم اثبات تقصیر قاضی، دولت ضامن خواهد بود. دولت مطلوب دولتی پاسخگوست و این پاسخگویی تنها با اعلام حق محقق نمی‌شود، بلکه دولت ملزم به جبران خسارت است و این همان ارتباط مسئولیت مدنی دولت با اصل حاکمیت قانون است. بازنگری قواعد مسئولیت مدنی دولت بر اساس معیارهای دولت پاسخگو و مسئول ضروری به نظر می‌رسد.

۲-۳-۵. نظریه تضمین حق (مسئولیت محض)

«پیروان نظریه مسئولیت بدون تقصیر از نقطه نظر نفی نظریه تقصیر و جایگزینی نظریه دیگر به جای آن دارای نظرات متفاوت هستند اما وجه مشترک آنها این است که تقصیر از ارکان ایجاد مسئولیت مدنی نیست و در فرض ورود خسارت نیازی به اثبات مقصر بودن فاعل در ارتکاب فعل زیانبار وجود ندارد، بلکه وجود رابطه علیت میان زیان و فعل زیانبار به تنهایی برای جبران خسارت کفایت می‌کند و همینکه شخصی زیان به بار آورد باید آنرا جبران کند خواه کاری که سبب ایجاد ضرر شده است ناشی از تقصیر وارد کننده زیان باشد یا

تقصیر یا کار زیان بار فرد دیگری فرصتی را از دست داده باشد. از دست دادن فرصت به دو شکل ایجاد می شود: ۱) شخص فرصت بدست آوردن یک امتیاز مورد انتظار را از دست بدهد؛ مانند آنکه کسی که میخواهد در آزمون شرکت کند در روز امتحان بعثت تصادف نمی تواند در آزمون شرکت نماید. ۲) فرصت جلوگیری از زیان از دست برود؛ مانند فردی که حکم به ضرر او صادر شده است و در زمان مقرر قانونی به آن اعتراض نمی نماید و حکم قطعی می شود.

«از دست دادن فرصت با تفویض منفعت یا عدم منفعت متفاوت است چراکه عدم منفعت که نوعی ضرر محسوب می شود فوت منفعت مسلم است در حالی که در فرض از دست دادن فرصت نه مالی از شخص تلف شده و نه منفعت مسلمی فوت گردیده بلکه فقط فرصتی که نتیجه استفاده از آن احتمالی بوده از دست رفته است که می توان آن را نوعی ضرر مسلم محسوب نمود» (بادینی، ۱۳۸۳: ۱۱۴-۵۵). در قانون ما نصی در مورد از دست دادن فرصت وجود ندارد اما با توجه به عرف جاری میتوان اینگونه بیان نمود که عرف، از دست دادن فرصت را اگر جدی باشد نوعی ضرر تلقی می کند و آن را قابل جبران میداند.

یکی دیگر از شروط ضرر قابل جبران این است که ضرر مستقیماً از فعل خواننده ایجاد شده باشد. مقنن در ماده ۵۲۰ قانون آیین دادرسی مدنی با بکار بردن واژه «زیان بلاواسطه» به مستقیم بودن ضرر وارده صراحتاً اشاره نموده است. ماده ۵۲۰ قانون آیین دادرسی مدنی بیان داشته است: «در خصوص مطالبه خسارت وارده، خواهان باید این جهت را ثابت نماید که زیان وارده بلاواسطه ناشی از عدم انجام تعهد یا تاخیر آن و یا عدم تسلیم خواسته

در تعریف مدنی ضرر، ضرر ممکن است به واسطه از بین رفتن مالی باشد یا به واسطه فوت شدن منفعتی که از انجام تعهد حاصل می شود (ماده ۷۲۸، آ. د. م). بنا به این ماده عدم منفعت را در جای دیگر می توان ضرر دانست» (جعفری لنگرودی، ۱۳۹۲: ۳۱۹). همچنین در ماده ۱ ق.م.م مقرر می دارد: «هر کس بدون مجوز قانونی عمداً یا در نتیجه بی احتیاطی به جان یا سلامتی یا مال یا آزادی یا حیثیت یا شهرت تجاری یا هر حق دیگری که به موجب قانون برای افراد ایجاد گردیده، لطمه وارد کند که موجب ضرر مادی یا معنوی دیگری شود مسئول جبران خسارات ناشی از عمل خود می باشد». «همانطور که در ماده فوق آمده است ضرر را به دو دسته تقسیم کرده اند: ضرر مادی و ضرر معنوی. ضرر مادی زیان هایی هستند که در نتیجه آنها لطمه ای بر یک مال وارد می آید و یا سودی که حصول آن قطعی بوده است به دست می آید» (کاتوزیان، ۱۳۸۶: ۱۳۴).

۲-۴-۵. شرایط ضرر قابل مطالبه

هر ضرری قابل مطالبه نیست. ضرر باید مسلم باشد. ضرری قابل جبران و موجب مسئولیت مدنی است که مسلم باشد و نه احتمالی. ضرر مسلم ضرری است که احتمال ورود آن بسیار زیاد باشد یعنی اینکه یا فعلیت داشته باشد و یا اینکه بر طبق جریان عادی امور قابل تحقق باشد (قطعی الحصول). «همچنین ضرر آینده در صورتی مسلم است که در آینده امکان ارزیابی و تعیین خسارت آن توسط قاضی وجود داشته باشد. بنابراین فعلیت ضرر شرط نیست و اگر وقوع آن در آینده مسلم باشد کفایت می نماید» (امامی، ۱۳۹۵، ج ۱: ۴۰۷). گاهی اوقات ممکن است که ضرر مادی یا معنوی مشخصی به فرد وارد نشده باشد، اما فرد به دلیل

۱۳۷۶: ۵۹). به هر حال شرط خاص بودن زیان را باید به طور مشروط پذیرفت. چنانچه زیان متوجه بخش عظیمی از مردم شود، خسارت وارده توسط دولت جبران پذیر نیست و در اینجا مردم هستند که باید هزینه‌های عمومی را بپردازند.

۳-۴-۵. فعل زیانبار

فعل زیانبار یعنی فعلی که مجوز قانونی نداشته باشد و فاعل با انجام آن، سبب ورود خسارت بر مال دیگری شود. در مسئولیت مدنی به طور حتم فعل باید زیان بار باشد. این ورود زیان است که باعث می شود فعل خوانده، فعل تولید کننده ی زیان توصیف شود. (امیر ارجمند، ۱۳۷۹-۱۳۷۸: ۲۳). «کار یا رفتاری که به طور غیر نامشروع برخلاف، قانون، اخلاق نظم (عمومی) باعث زیان به دیگری گردد. این فعل باید در نظر اجتماع ناهنجار باشد و نیز در قانون برای آن مجوزی قرار داده نشده باشد. فعل زیان بار ممکن است فعل یا ترک فعل باشد. ماده اول قانون مسئولیت مدنی می گوید: «هر کس بدون مجوز قانونی عمداً یا در نتیجه بی احتیاطی به جان یا سلامتی یا مال آزادی یا حیثیت یا شهرت تجارتی یا به هر حق دیگری که به موجب قانون برای افراد ایجاد گردیده لطمه‌ای وارد نماید که موجب ضرر مادی یا معنوی دیگری شود مسئول جبران خسارت ناشی از عمل خود است». در این ماده به عبارت بدون مجوز قانونی اشاره شده یعنی اگر فعل با مجوز قانونی صورت پذیرد شخص مسئول خسارت ناشی از آن نیست. در اینجا منظور قانون معنای وسیع کلمه است و شامل تمامی قوانین موضوعه، آیین‌نامه‌ها، دستورالعمل‌های اداری دستور شفاهی پلیس و قواعد و مقررات عرفی است. بدیهی است در صورتی که فعل مشروع باشد، مثل دفاع مشروع اگر موجب خسارتی شود، مسئول خسارت نخواهد بود، همان طوری که ماده

بوده است در غیر این صورت دادگاه دعوی مطالبه خسارت را رد خواهد کرد». علت آنکه ضرر وارده می بایست مستقیم از فعل خوانده ایجاد شده باشد این است که اگر ضرر غیرمستقیم باشد رابطه سببیت عرفی میان عمل فرد و خسارت وارده وجود ندارد و به عبارتی دیگر نمی توان ضرر را به عمل خوانده نسبت داد و او را مسئول جبران خسارات وارده دانست؛ نکته دیگر آنکه منظور از ضرر مستقیم این نیست که هیچ واسطه ای میان عمل خوانده و خسارت وارده وجود نداشته باشد چراکه اگر منظور این باشد مساله تسبیب منتفی می گردد چه اینکه در این مورد همیشه انسان یا حیوان یا چیزی واسطه بین فعل و خسارت وارده است و فاعل فقط سبب ایراد زیان را فراهم نموده و از این جهت مسئول است پس منظور از ضرر مستقیم یا بلاواسطه آن است که میان ضرر و عمل شخص رابطه سببیت عرفی وجود داشته باشد. جهت تشخیص این امر، قاضی دادگاه مکلف است که با توجه به اوضاع و احوال و عرف موجود، مستقیم یا غیر مستقیم بودن ضرر را احراز نماید. «طبق نظر برخی حقوقدانان، زیان زمانی جبران پذیر است که صرفاً متوجه افراد خاص گردد و چنانچه زیان متوجه همه مردم یک شهر یا گروهی کثیر از شهروندان شود آن را نباید زیان دانست بلکه باید هزینه عموم به شمار آورد» (ابوالحمد، ۱۳۷۰: ۵۴۹). «در مقابل نظر فوق، عده‌ای دیگر معتقدند که خاص بودن زیان را نباید محدود به افراد قلیلی کرد بلکه امکان دارد در اثر خطای یک کارمند دولت بخشی از ساکنین یک محله خسارت ببینند. در این حالت دولت باید خسارات وارده را نسبت به افراد محل جبران کند زیرا عده خسارت دیدگان بسیار کمتر از عده کسانی است که در جامعه از انجام برنامه‌های عمومی دولت سود می‌برند» (غمائی،

ارز خود را به بازار غیررسمی منتقل کردند. از سوی دیگر با تثبیت نرخ ارز، بازگشت ارز از سوی صادرکنندگان کاهش و خروج سرمایه افزایش یافت. به علاوه، تثبیت نرخ دلار به صورت دستوری، بازدهی سهام صادرکنندگان را نیز با مشکل مواجه کرد و در نتیجه، بازار سهام به عنوان یکی از جانشین‌های بازار طلا و دلار، تضعیف شد تا خروج سرمایه از این مسیر نیز افزایش یابد. یکی دیگر از اقداماتی که بازار ارز را دچار نوسانات شدیدتری کرد، اعمال سقف ۴۰ هزار تومانی بر فروش ارز صادرکنندگان غیرپتروشیمی در آخرین هفته بهمن ماه همان سال بود. این تصمیم باعث افزایش تقاضای واردات و بازگشت ارز شد که در پی آن، نرخ ارز امارات برای اولین بار با نرخ ارز تهران اختلافی دو هزار تومانی پیدا کند. بدیهی است بررسی نقش دولت در این خصوص به عنوان فعل زیانبار نیازمند بررسی دقیق کارشناسی است.

۴-۴-۵. تقصیر

مهم‌ترین رکن تحقق مسئولیت مدنی دولت، اثبات تقصیر دولت است (کاتوزیان، ۱۳۸۶: ۱۰۴). تقصیر در حقوق مدنی اعم از تقصیر عمدی است. یعنی ممکن است در عمل تقصیرآمیز قصد نتیجه (قصد اضرار) وجود داشته باشد یا نه. اگر قصد نتیجه وجود داشته باشد تقصیر عمدی است و اگر قصد نتیجه در میان نبوده و عمل از روی بی احتیاطی یا بی مبالاتی انجام شد باشد، تقصیر غیرعمدی است. در واقع «تجاوز از اختیار وقتی است که مراجع یا مقامات مسئول بیش از حد اذن یا متعارف از قدرت اداری و اجرای خود در اتخاذ تصمیمات و انجام اقدامات مربوط به عهده گیرند و بدین سبب موجبات تضییع حقوق یا اضرار اشخاص را فراهم سازند و سوء استفاده از اختیار زمانی صورت می‌گیرد که تصمیمات متخذه یا اقدامات معموله

۱۵ قانون مسئولیت مدنی نیز به آن اشاره کرده است» (طباطبایی مومنی، ۱۳۸۱: ۱۵). ماده ۱۵ قانون مسئولیت مدنی اشاره دارد که: «کسی که در مقام دفاع مشروع موجب خسارات بدنی یا مالی شخص متعددی شود مسئول خسارت نیست مشروط بر اینکه خسارت وارده بر حسب متعارف متناسب با دفاع باشد.» «طبق یک نظر، دولت تنها در قبال افعال خطا کارانه‌ای مسئولیت دارد که به هنگام انجام وظیفه و کار دولتی رخ داده باشد و طبق نظر دیگر، دولت و دستگاه‌های نظارتی شامل آن وقایع حقوقی است که به مناسبت انجام وظیفه اتفاق افتاده است و عقیده دارند که با توجه به اینکه کارمند دولت (و دستگاه‌های نظارتی) بعنوان کارگزار و اندامش عمل می‌نماید باید خطای ناشی از فعلش در صورتیکه در حین یا به مناسبت انجام وظیفه اداری باشد منسوب به دولت دانست. دولت و مؤسسات وابسته به آنها که به مناسبت انجام وظیفه عمداً یا در نتیجه بی احتیاطی خساراتی به اشخاص وارد نمایند شخصاً مسئول جبران خسارت وارده می‌باشند» (کاتوزیان، ۱۳۹۸: ۳۲). ولی هرگاه خسارات وارده مستند به عمل آنان نبوده باشد در خصوص موضوع مورد پژوهش حاضر ناشی از عوامل خارجی مانند تحریم‌ها باشد، انتساب آن به دولت به سادگی امکان پذیر نیست.

در خصوص فعل زیانبار دولت در افزایش نرخ ارز باید هر مقطع افزایش دید ارز را مورد بررسی قرار داد و در خصوص فعل زیانبار دولت به قضات نشست. به عنوان مثال با اعلام تثبیت نرخ ارز دولتی در سطح ۲۸ هزار و ۵۰۰ تومان در هشتم دی ماه ۱۴۰۱، تقاضای واردات در سامانه نیما افزایش یافت. تشکیل صف طولانی برای دریافت ارز از این سامانه سبب شد که واردکنندگان در کنار انتظار برای دریافت ارز ترجیحی، بخشی از تقاضای حواله

دولتی و تصادفات و صدمات وارده رابطه علیت وجود داشته باشد. در عین حال عدم رعایت نظامات دولتی نیز به تنهایی خود ممکن است جرم تعزیری باشد که به تنهایی کافی از برای تحقق مسئولیت است و نیازی به اثبات بی احتیاطی و بی مبالاتی نیست» (موسی زاده، ۱۳۹۹: ۲۶۱-۲۶۰). تعیین دولت به عنوان عامل افزایش دلار، ساده نیست زیرا ناترازی‌های کلان اقتصادی برای مدتی طولانی، یکی از مهم‌ترین عوامل اثرگذار بر رشد نرخ ارز شناخته می‌شود. این ناترازی بدان معناست که مخارج ملی بیشتر از درآمد ملی بوده و این ناترازی در بخش‌های کوچکتر اقتصادی مثل کسری بودجه دولت، ناترازی بانک‌ها و صندوق‌های بازنشستگی نیز نمود دارد. تداوم این ناترازی‌ها به این معناست که دسترسی به اعتبار برای جبران ناترازی افزایش یافته است. بنابراین این ناترازی‌ها با استفاده از خلق نقدینگی جبران شده که پیامد آن رشد بیشتر نقدینگی نسبت به رشد تولید است. در نتیجه کاهش ارزش پول ملی یا به عبارت دیگر افزایش نرخ ارز رخ می‌دهد. از طرف دیگر سیاست‌های بانک مرکزی و ناطمینانی از تحولات داخلی و خارجی نیز قطعاً در افزایش قیمت ارز تاثیرگذار است. افزایش این ناطمینانی‌ها یکی از اصلی‌ترین عوامل خروج سرمایه از چرخه اقتصادی به شکل فرار سرمایه (انتقال دارایی‌ها و سرمایه به خارج از کشور) و افزایش نگهداری دارایی‌های خارجی (افزایش نگهداری ارز و طلا) است. افزایش ریسک و ناطمینانی‌ها در مواردی مثل کم‌رنگ شدن احتمال توافق هسته‌ای، باعث کاهش بازدهی دارایی‌های داخلی نسبت به دارایی‌های خارجی می‌شود و این موضوع به سرعت خود را با افزایش نرخ ارز نشان می‌دهد.

نامشروع و ناموزون، زیان بار باشد، با این تفاوت که هرگاه تجاوز یا سوء استفاده از اختیار توأم با سوء نیت و غرض ورزی یا سهل انگاری و بی مبالاتی و در نتیجه معلول تقصیر شخص باشد، عمل منتسب به مأمور (دولت و دستگاه‌های نظارتی) و مسئولیت مدنی متوجه او می‌باشد و در صورتیکه عاری از تقصیر شخص یا حاصل استنباط متعارف باشد، عمل منتسب به دولت و دستگاه‌های نظارتی و مسئولیت مدنی ناشی از آن به دوش دولت خواهد بود» (صدرالحفاظی، ۱۳۸۹: ۲۴۶).

تبصره ماده ۳۳۶ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵ در بیان مفهوم تقصیر مقرر می‌دارد «تقصیر اعم است از بی احتیاطی، بی مبالاتی، عدم مهارت، عدم رعایت نظامات دولتی است». «برای تشخیص بی احتیاطی باید به عرف مراجعه شود، حالت نفسانی مرتکب و علم به اینکه آیا متهم واقعاً احتمال وقوع حادثه را می‌داده یا نه، مورد توجه و مطلوب نیست. آنچه باید تشخیص داده شود این است که آیا عمل واقع شده در زمان و مکان معین و در تحت شرایط خاص عرفاً قابل پیش بینی بوده و آیا یک نفر شخص مال اندیش و محتاط متوسط الحال، نه باهوش مطابق عرف زمان و مکان می‌توانسته پیش بینی کند و آیا عرفاً وقوع نتیجه مجرمانه به میزانی متحمل بوده که احتراز از آن ضرورت داشته باشد یا خیر. این عرف با همکاری اشخاص اهل فن و کارشناس مشخص خواهد شد. بی مبالاتی و غفلت نوعی بی احتیاطی به صورت ترک فعل و خودداری از انجام عملی است که انجام آن شرط احتیاط است. در عدم رعایت نظامات دولتی، مقصود از نظامات دولتی، انواع قوانین، تصویب نامه‌ها، آئین نامه‌ها و بخشنامه‌های دولتی است. صرف این خطا، موجب مسئولیت صدمات بدنی وارده نیست و باید میان عدم رعایت نظامات

۵-۴-۵. رابطه سببیت

یکی از شروط قابل جبران بودن ضرر، مستقیم و بلاواسطه بودن آن است که به این رابطه (سببیت) برمی‌گردد به عبارتی جهت تحقق مسئولیت مدنی احراز مستند بودن ضرر به عمل زیانبار است (رابطه علیت). بنابراین مفهوم سببیت (علت عرفی) به ترتیبی که حادثه در اثر آن منجر به ضرر شده است لذا این رابطه امر حادث است که اگر هر جا در سببیت فعلی شک نماییم اصل عدم آن است. «برای ایجاد مسئولیت مدنی دولت وجود تقصیر و ضرر کافی نیست بلکه وجود رابطه سببیت یا علیت نیز بین این دو عنصر ضروری است. در واقع باید ثابت شود که میان ضرر و تقصیر یا عمل کارمند دولت رابطه علیت وجود دارد بگونه‌ای که محقق شود علت وقوع زیان رفتار کارمند بوده است تا بدین ترتیب مسئولیت دولت و دستگاه‌های نظارتی ثابت شود» (صفایی، ۱۳۸۵، ج ۲: ۵۶).

اصولاً برای ایجاد یک حادثه یک سبب دخیل نمی‌باشد و سبب‌هایی خواه به صورت هم عرض یا در طول یکدیگر در وقوع خسارت دخالت دارند که این موضوع در حقوق مسئولیت مدنی تحت عنوان اجتماع اسباب و مباشر بررسی می‌گردد. زمانی که سبب نخست موجب سبب دوم و دومین سبب موجب سبب سوم و الخ شود می‌گویند اسباب طولی ولی اگر اسباب در یک زمان با شرکت همدیگر موجب خسارت گردند را اسباب عرضی گویند. اجتماع اسباب را می‌توان در سه حالت خلاصه کرد: «۱) اجتماع اسباب به نحو عرضی. هرگاه چند سبب در زمان واحد با هم موجب خسارتی شوند، و اثر آن‌ها فاقد تقدم و تأخر زمانی باشد، اجتماع آن‌ها به نحو عرضی است. ۲) اجتماع اسباب به نحو طولی. هرگاه دخالت عوامل متعدد در نتیجه با تقدم و تأخر زمانی همراه باشد به نحوی

که یکی علت وجود دیگری است، اجتماع به نحو طولی است. ۳) اجتماع عامل انسانی و عامل طبیعی. این حالت در موردی است که نتیجه در اثر دخالت عامل انسانی با عوامل قهری و طبیعی به شکل طولی یا عرضی به وجود آمده است» (کاتوزیان، ۱۳۸۶: ۴۶۱). «همچنین نظریه سبب مقدم در تأثیر یکی از مشهورترین نظریه‌ها درباره تعیین سبب مسئول در اسباب طولی سبب مقدم در تأثیر است. منظور از سبب مقدم در تأثیر سببی است که اولین اثر را در ایجاد حادثه زیان بار دارا باشد» (کاتوزیان، ۱۳۸۶: ۱۶۵). واقعیت امر این است که برقراری ارتباط سببیت افزایش نرخ ارز و اقدامات دولت چندان ساده نیست زیرا افزایش نرخ ارز تحت تاثیر متغیرهای مختلفی قرار دارد که تماماً در کنترل و اراده دولت نیست.

۶. نتیجه

در حقوق ایران دولت نسبت به اعمال کارکنان خود مصونیت دارد و تنها نسبت به افعال قضات یا در صورتی که دولت بعنوان کارفرما محسوب شود نظریه تقصیر را پذیرفته است و در ماده ۱۱ قانون مسئولیت مدنی فقط مسئولیت کارمند در برابر فعل زیانبار خود بر پایه تقصیر بنا شده است که بر این مورد نیز ایراداتی چند وارد آمده از جمله اینکه اثبات تقصیر از ناحیه زیان دیده با توجه به وضعیت مالی و اجتماعی در برابر دستگاه عظیم دولتی امری مشکل و در مواردی حتی غیر ممکن است و از جانب دیگر با مشکل اثبات انتساب تقصیر به عامل ایراد ضرر مواجه هستیم چرا که شناسایی عامل ایراد ضرر در پیچ و خم‌های اداری دشوار است. همچنین علی‌رغم راه حل‌های ارائه شده برای تعدیل نظریه تقصیر، مبنای مناسبی برای مسئولیت محسوب نمی‌شود و باید از نظریه‌های بدون تقصیر در این راه استمداد نمود. شرط تحقق

این نظریه در حکم قانون نیست اما می‌تواند تأثیرات سازنده‌ای در شکل‌گیری افکار عمومی حقوقدانان داشته باشد.

۷. سهم نویسندگان

کلیه نویسندگان به صورت برابر در تهیه و تدوین پژوهش حاضر مشارکت داشته‌اند.

۸. تضاد منافع

در این پژوهش تضاد منافع وجود ندارد.

مسئولیت مدنی وجود رابطه سببیت بین خسارت و عامل بروز آن می‌باشد و تغییر نرخ ارز ناشی از عوامل گوناگون و بعضاً خارج از اراده دولت است. سیاست‌های مالی و پولی، تجاری و بازرگانی خارجی، ارزی و حتی سیاست‌های خارجی دولت‌ها و ساختارهای اقتصادی- اجتماعی جوامع از مهم‌ترین این عوامل هستند. بنابراین تحلیل و پیش‌بینی تورم، نیازمند دیدبانی فنی این عوامل است که کاری سخت و تخصصی است. شاید دلیل «لایحه حذف تبصره (۳) ماده (۲۰) قانون رفع موانع تولید رقابت پذیر و ارتقای نظام مالی کشور» در همین راستا به مجلس ارسال شده است. مفاد تبصره (۳) ماده (۲۰) قانون رفع موانع تولید رقابت پذیر و ارتقای نظام مالی کشور مصوب ۱۳۹۴، صرفاً ناظر به تعیین سازوکارهایی برای پوشش نوسانات نرخ ارز توسط دولت می‌باشد؛ با این حال بر اساس برخی از تفاسیر قضایی، مفاد تبصره یاد شده به عنوان مبنایی برای الزام دولت به جبران خسارات ناشی از نوسانات ارز تلقی شده است که این تفسیر، منجر به تحمیل بار مالی قابل توجه به دولت خواهد شد؛ لذا دولت لایحه حذف تبصره (۳) ماده (۲۰) قانون رفع موانع تولید رقابت پذیر و ارتقای نظام مالی کشور را با قید دو فوریت برای طی تشریفات قانونی تقدیم مجلس شورای اسلامی کرده است. پیشنهاد می‌گردد تا با انجام اصلاحاتی در قانون مسئولیت مدنی به‌صراحت در قسمت‌هایی که موردنیاز است مثل همین بحث مسئولیت دولت در قبال اعمالش به‌روشنی مشخص گردد که منظور از اعمال تصدی‌گری و همچنین حاکمیتی چیست و این مطلب پررنگ‌تر گردد. همچنین اداره حقوقی قوه قضائیه در خصوص موضوع مسئولیت دولت در قبال تورم و کاهش ارزش پول ملی در قسمت‌های فوق‌الذکر به‌صراحت اظهار نظر نمایند هر چند که

منابع

منابع فارسی

الف. کتب

قاسم زاده، سید مرتضی. (۱۳۷۸). مبانی مسئولیت مدنی، چاپ اول، تهران، نشر دادگستر.

قبله‌ای خوئی، خلیل. (۱۳۷۷). قواعد فقه (بخش جزا)، جلد سوم، چاپ دوم، تهران، انتشارات سمت.

کاتوزیان، ناصر. (۱۳۷۴). حقوق مدنی (ضمان قهری - مسئولیت مدنی)، چاپ اول، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.

کاتوزیان، ناصر. (۱۳۸۶). حقوق مدنی (الزام‌های خارج از قرار داد)، چاپ هشتم، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.

کاتوزیان، ناصر. (۱۳۸۶). حقوق مدنی (ضمان قهری)، چاپ هشتم، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.

کاتوزیان، ناصر. (۱۳۹۸). دوره مقدماتی حقوق مدنی (وقایع حقوقی)، چاپ بیستم، تهران، نشر یلدا.

گزارش حقوقی علمی. (۱۳۸۴). مسئولیت مدنی مؤسسات عمومی، چاپ اول، تهران، انتشارات پژوهشکده ریاست جمهوری.

محقق داماد، مصطفی. (۱۳۶۲). مباحثی از اصول فقه، چاپ سوم، تهران، مرکز نشر علوم اسلامی.

مشایخی، قدرت الله. (۱۳۸۷). قاعده‌های فقهی، چاپ اول، تهران، انتشارات سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت) و دانشگاه الزهرا (ص).

مطهری، مرتضی. (۱۳۵۷). نظام حقوق زن در اسلام، چاپ هشتم، تهران، انتشارات صدرا.

معین، محمد. (۱۳۷۶). فرهنگ فارسی، جلد اول، چاپ سوم، تهران، انتشارات امیرکبیر.

موسی زاده، رضا. (۱۳۹۹). حقوق اداری، چاپ دوازدهم، تهران، نشر میزان.

نوری، مهدی و همکاران. (۱۳۹۱). تورم در اقتصاد ایران (مرور پژوهش‌های انجام شده)،

ابوالحمد، عبدالحمید. (۱۳۷۰). مسئولیت مدنی دولت (تحولات حقوق خصوصی)، چاپ دوم، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.

امامی، سیدحسن. (۱۳۹۵). حقوق مدنی، جلد اول، چاپ پانزدهم، تهران، انتشارات کتابفروشی اسلامیه.

امیر ارجمند، دکتر اردشیر. (۱۳۷۹ - ۱۳۷۸). تقریرات درس حقوق اداری تطبیقی، چاپ اول، تهران، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.

جعفری لنگرودی، محمد جعفر. (۱۳۹۲). ترمینولوژی حقوق، چاپ بیست و پنجم، تهران، انتشارات گنج دانش.

حسینی نژاد، حسینقلی. (۱۳۷۰). مسئولیت مدنی، چاپ اول، تهران، انتشارات بخش فرهنگی جهاد دانشگاهی دانشگاه شهید بهشتی.

درودیان، حسنعلی. (۱۳۷۹). جزوه مسئولیت مدنی (دوره کارشناسی)، چاپ اول، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.

صدر الحفاظی، نصرالله. (۱۳۸۹). نظارت قضایی بر اعمال دولت در دیوان عدالت اداری، چاپ اول، تهران، نشر شهریار.

صفایی، سیدحسین. (۱۳۸۵). دوره مقدماتی حقوق مدنی (قواعد عمومی قراردادها)، جلد دوم، چاپ چهارم، تهران، نشر میزان.

صیدایی، سید اسکندر. (۱۳۹۰). تورم در ایران، چاپ اول، تهران، انتشارات گل واژه.

طباطبایی موتمنی، منوچهر. (۱۳۸۱). حقوق اداری، چاپ چهارم، تهران، انتشارات سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت).

صحيح البخاری، محمد بن اسماعيل بخاری. (۱۴۰۱). الجامع الصحیح المختصر، چاپ اول، بيروت- لبنان، النشردار الفكر.

الطريحي، فخرالدين. (۱۹۸۵). مجمع البحرين، چاپ اول، بيروت- لبنان، دار و مكتبة الهلال..

علامه حلی، حسن بن يوسف. (۱۴۱۸). قواعد الاحكام، جلد سی و یکم و سی و ششم، چاپ دهم، قم، مؤسسه نشر اسلامی.

مراغه‌ای، میر فتحاح. (۱۴۱۷). العناوين، جلد دوم، چاپ اول، قم، دفتر انتشارات اسلامی.

مکی عاملی (شهید اول)، محمد بن جمال الدين. (۱۴۱۷). العمه دمشقیه، جلد اول، چاپ سوم، قم، انتشارات دارالفکر.

موسوی خویی، سید ابو القاسم. (۱۴۱۷). مصباح الفقاهه، تقریر محمد علی توحیدی، جلد هفتم، چاپ چهارم، قم، ناشر الانصاریه.

نجفی، محمدحسن. (۱۴۰۴). جواهر الکلام فی مسائل الحلال و الحرام، تحقیق شیخ عباس قمی قوچانی، جلد سی و هفتم، چاپ پنجم، بيروت- لبنان، دار احیاء التراث.

الندوی، علی احمد. (۱۴۳۰). القواعد الفقهيّه، چاپ اول، دمشق- سوریه، نشر دارالقلم.

چاپ اول، تهران، نشر مرکز پژوهشی و آموزشی کوثر وابسته به بسیج دانشجویی دانشگاه تهران.

ب. مقالات:

بادینی، حسن. (۱۳۸۳). «هدف مسئولیت مدنی»، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دوره ۰، شماره ۶۶، صص ۵۵-۱۱۴.

سلامی زاده، فاطمه؛ رشوند بوکانی، مهدی. (۱۳۹۵). «قاعده احترام در فقه امامیه»، نشریه مطالعات علوم سیاسی-حقوق فقه، دوره ۲، شماره‌های ۱-۳، صص ۱۱۲-۱۰۲.

غمائی، مجید. (۱۳۷۶). مسئولیت مدنی دولت نسبت به اعمال کارکنان خود (با دیباچه دکتر ناصر کاتوزیان)، چاپ اول، تهران، نشر دادگستر.

محقق داماد، مصطفی. (۱۳۹۱). «نقش قواعد اتلاف و تسبیب در مسئولیت مدنی زیست محیطی»، نشریه مطالعات اسلامی- فقه و اصول، سال ۴۴، شماره ۸۹، صص ۶۲-۴۱.

معبودی، رضا؛ آسایش، حمید؛ شجاعی، سید احمد. (۱۴۰۲). بررسی اثر نوسانات نرخ ارز بر رشد بخش‌های اقتصادی ایران، مجله اقتصاد و بانکداری اسلامی، شماره ۴۴ صص ۲۱۹ - ۲۴۲.

منابع عربی

ابن حنبل، احمد بن محمد. (۱۴۰۱). مسند الإمام أحمد بن حنبل، جلد یازدهم، چاپ اول، بيروت- لبنان، دار صادر.

ابن ماجه، محمد بن یزید. (۱۳۷۳/۱۹۵۴)، سنن ابن ماجه، چاپ اول، قاهره- مصر، چاپ محمدفؤاد عبدالباقي.

ابوداود، سلیمان بن اشعث. (۱۴۲۰). کتاب السنن، جلد دوم، چاپ اول، قاهره- مصر، نشر موسسه علمی فرهنگي دارالحدیث سازمان چاپ و نشر.

البیهقی، أحمد بن الحسين بن علی بن موسی. (۱۴۲۴). سنن الكبرى، جلد دهم، چاپ سوم، بيروت- لبنان، الناشر دار الکتب العلمیة.



پښتو ښکته علمون انساني و مطالعات فرېښتې
پرتال جامع علمون انساني